پای درس علی(ع)

محاسبه خود پیش از محاسبه دیگران

امام علی(ع): «بندگان خدا، (کردار) خودرا بسنجید پیش از آنکه آن را بسنجند و خود را به حساب کشید، پیش از آنکه به حساب کشند و نفَس بزنید (و فرصت را غنیمت شمارید) قبل از آنکه گلویتان را بفشارند.»

نهج‌البلاغه- خطبه۹۰

به بهانه سالگرد ۲۳ تیرماه ۱۳۷۸

۴۰ سال طول کشید تا خودشان آمدند

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

فتنه‌هایی که در سال‌های پس از پایان دفاع مقدس ۸ ساله شکل گرفتند، همگی نتیجه تغییر رویکرد جبهه استکبار و عوامل داخلی‌شان از ترور و کودتا و جنگ در دهه اول انقلاب به نفوذ و تهاجم فرهنگی در ۴ دهه بعد بود.

در واقع در سال ۱۳۶۸ و پس از رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله علیه و آغاز ولایت و زعامت حضرت آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای، شیوه برخورد آمریکا و اذنابش با انقلاب و نظام اسلامی متفاوت گردید. چرا که ۱۰ سال بی‌وقفه بر طبل جنگ سخت کوبیدن، راه به جایی نبرده بود و نظام جمهوری اسلامی استوارتر و قوی‌تر به راه خود ادامه می‌داد.

تغییر رویکرد از نبرد سخت به تهاجم فرهنگی و جنگ نرم بود که اذهان و روح و روان مردم را هدف قرار می‌داد تا استحاله فکری و فرهنگی و ایدئولوژیک آنها به تدریج به فروپاشی فیزیکال نظام بینجامد. امام و رهبر جدید امت از همان نخستین روزهای ولایت و زعامت‌شان، این آرایش و جبهه جدید دشمن را برای مردم شرح دادند و تبیین نمودند. بارها و بارها به شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی که بعد از آن به «شبیخون فرهنگی» و سپس «تاتوی فرهنگی» گسترش یافت، پرداخته و در دیدارها و سخنرانی‌های مختلف ابعاد گوناگونش را تحلیل کردند.

تهاجم فرهنگی از سال ۱۳۶۸

در اواخر دهه ۶۰ ابتدا حلقه‌های شبه روشنفکری شکل گرفت و سپس ارتباطات خاصی تحت عنوان پیوندهای علمی و تحقیقاتی با محافل مشکوک خارج کشور برقرار شد. هدف، به ظاهر تعاملات علمی و فرهنگی بود، اما در عمل، تغییر رفتار اجتماعی و ترسیم الگوی تجددگرایانه و رفاه‌طلبانه افراطی برای ایرانیان مد نظر قرار داشت. در واقع این حلقه‌های به اصطلاح علمی و فرهنگی در دانشگاه‌ها و دیگر محافل روشنفکری، به نظریه‌پردازی و آموزش گسترده علوم انسانی سکولاریستی درون دانشگاه‌ها پرداختند و با برگزاری همایش‌ها و سمینارهای مختلف با حضور چهره‌های شناخته شده انقلابات مخملی از آمریکا و اروپا همچون جین شارپ و اگنس هلر و جان کین و... تقابل ایدئولوژیک با انقلاب اسلامی را کلید زدند.

حلقه‌های شبه روشنفکری همانند «آیین» و «کیان» و... تحت تاثیر محافل و کانون‌های استعماری صهیونی از همان روزگار، طرح استحاله نظام جمهوری اسلامی و پروژه یک کودتای مخملی را در دستور کار قرار دادند. کودتایی که با عناوین مختلف اصلاح‌طلبی، سازندگی، دموکراتیزه کردن، گذار از شرایط انقلابی و پشت سرگذاردن دوران امام و... نامیده می‌شد. به تدریج از درون هریک از حلقه‌های روشنفکری فوق، روزنامه‌ها و مجلات متعددی بیرون آمد و فضای مطبوعاتی جامعه را به اشغال افکار و آراء غربگرا و اسلام هراسانه درآورد که به طور سیستماتیک در هر شماره و صفحه از آن نشریات ترویج می‌شد. دهها نفر از نیروهایی که دور همان حلقه‌های روشنفکری گرد آمده بودند، به عنوان دانشجو و بهانه ادامه تحصیل به خارج کشور و عمدتاً انگلستان فرستاده شدند تا از نیمه دوم دهه ۷۰، رنگ‌آمیزی جدیدی از روزنامه‌نگاران و نویسندگان در صحنه مطبوعات و نشر کشور به وجود آید. نوعی رنگ‌آمیزی که با تأسیس دهها روزنامه و هفته نامه و ماهنامه و فصلنامه و مؤسسات نشر کتاب، اساساً جای نفس کشیدن و به اصطلاح عرض اندام برای نیروهای انقلابی و طیف مخالف خود باقی نگذارد و به تدریج فضای فرهنگی کشور را از آن خود کرده، با عنوان دوران جدید انقلاب، نظام جمهوری اسلامی را به شکلی بطیء و خزنده به سمت استحاله پیش برد. استحاله‌ای که قرار بود دیگر نشانی از اسلام ناب محمدی(ص) و آرمان‌های حضرت امام خمینی(ره) و راه شهداء و هر آنچه عدالت و استقلال و استکبارستیزی نام داشت، باقی نگذارد. روی کار آمدن دولت مدعی اصلاحات، کاتالیزوری برای تسریع در روند اتفاقات فوق بود. آنچه پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ در عرصه مطبوعات و نشر این مملکت اتفاق افتاد، شاید در تاریخ روزنامه‌نگاری و ژورنالیسم و انتشار کتاب بی‌سابقه باشد و شاید فقط بتوان نمونه‌ای از آن را در جریان جنگ سرد و سرمایه‌گذاری سازمان CIA برروی تأسیس نشریات و مجلاتی یافت که به قول تئوریسین‌های جنگ سرد، هر آنچه امپریالیسم غرب انجام می‌داد را موجه جلوه می‌دادند و هر چه مخالف آن بود را سیاه و ناموجه می‌نمایاندند.

۱۰ سال بعد؛ اولین عملیات با رمز آمریکایی‌ها

به دنبال به وجود آمدن جبهه‌ای گسترده از حلقات شبه روشنفکری و نشریات وابسته به آنها، در دی‌ماه ۱۳۷۷ و در آستانه سال نو میلادی رئیس سازمان جاسوسی آمریکا اعلام کرد: «در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸) در ایران انتظار حوادثی را داریم که در ۲۰ سال گذشته بی‌سابقه است.»

نشریه آمریکایی «میدل ایست اکونومیک دایجست» هم در اوایل تیر ۱۳۷۸ وعده داد: «بیشتر ناظران در تهران بر این اعتقادند که تابستان امسال شاهد یک آزمون حیاتی قدرت و حتی شاهد دورنمای رویارویی جدی بین جناح محافظه‌کار و اصلاح‌گرایان خواهد بود.» تا اینکه در تیرماه ۱۳۷۸، همان نشریات (که از آن پس به نشریات زنجیره‌ای یا فله‌ای معروف شدند) ناگهان در برابر تصویب طرح اصلاحیه قانون مطبوعات در کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به صف شدند و آن را به برقراری استبداد تعبیر نمودند و یکی از آنها یعنی روزنامه سلام، آگاهانه به انتشار سند محرمانه‌ای دست زد که می‌دانست منجر به توقیف روزنامه خواهد شد.

شگفت آن بود که خبر توقیف روزنامه سلام در ساعت ۱۰ شب ۱۶ تیرماه اعلام شد، ولی همه روزنامه‌های زنجیره‌ای صبح، آن را در یک اقدام هماهنگ به تیتر اول خود تبدیل نمودند! آشکار بود که این طراحی، بی‌ارتباط با اظهارات رئیس سازمان سیا و وعده نشریه آمریکایی «میدل ایست اکونومیک دایجست» به نظر نمی‌رسید.

آشوب در کوی دانشگاه

و از همین‌جا عوامل پیدا و پنهان کانون‌های معلوم‌الحال داخلی و خارجی به عرصه آمدند، ابتدا در شامگاه ۱۷ تیرماه، کوی دانشگاه را به آشوب کشاندند. آشوبگران وقتی در کوی دانشگاه نتوانستند تعداد قابل توجهی از دانشجویان را به خود جلب کنند، از کوی بیرون آمده و راهی دانشگاه تهران شدند. عده‌ای هم با تابلوی لباس شخصی به کوی دانشگاه حمله کرده، خوابگاه دانشجویان را تخریب نموده، مال و اموالشان را به آتش کشیده و غارت کردند. آنچنان که قلب رهبر انقلاب را به درد آوردند. پس از حادثه طراحی شده کوی دانشگاه، اغتشاشات و آشوب‌ها ادامه یافت و کار به اهانت به مقدسات نیز کشیده شد. اغلب افرادی که در آن آشوب‌ها نقش اصلی را داشتند، بعداً سر از محافل و رسانه‌های امپریالیستی در آوردند، امثال احمد باطبی و علی افشاری و اکبر عطری و امیرعباس فخرآور... بعضاً موجوداتی بودند که به دلیل شرارت و رذالت بیش از حد حتی امثال ریچارد پرل (عضو ارشد شورای روابط خارجی آمریکا و عامل اصلی انتقال این افراد به خارج کشور) از آنها ابراز نفرت کرد!

در پی این اهانت‌ها و بیانات رهبری شهید، ۲۴ نفر از سرداران ۸ سال دفاع مقدس از جمله سردار حاج قاسم سلیمانی در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهوری وقت ضمن محکوم کردن حادثه کوی دانشگاه نوشتند: «.. کاسهٔ صبرمان به پایان رسیده و تحمل بیش از آن را در صورت عدم رسیدگی، بر خود جایز نمی‌دانیم.»

اما دوشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۷۸ جمعی از مردم که از توهین به مقدسات خود توسط اغتشاشگران ناراحت بودند، به دیدار رهبر انقلاب رفتند. سخنان رهبر انقلاب در آن دیدار در مردم انگیزه‌ای ایجاد کرد تا منسجم‌تر از قبل در برابر اغتشاشگران بایستند. آنها در ۲۳ تیرماه ۱۳۷۸، به خیابان‌ها آمدند و پس از ۵ روز تحمل آشوب و سوزاندن و غارت کردن و اهانت، فتنه گران را جارو کردند. بازهم این مردم بودند که برای فرو نشاندن فتنه به صحنه آمدند و غائله‌ای دیگر را پایان بخشیدند.

فتنه‌های بعدی و بعدی

جریان تهاجم فرهنگی و فتنه‌گری، ۱۰ سال بعد از آن، در قالب کودتای مخملی به میدان آمد و دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را بهانه کرد و این‌بار با حضور مستقیم کانون‌های صهیونی بر ساختارهای انقلاب و نظام هجوم آورد.

اما این فتنه نیز در ۹ دی ۱۳۸۸، پس از حدود ۸ ماه صبر و مدارا در برابر گستاخی‌ها و جسارت‌های فتنه‌گران، علی‌رغم همه سرمایه‌گذاری‌های کلان دشمنان خارجی و داخلی انقلاب، با به میدان آمدن مردم، طومارش درهم پیچیده شد.

باز هم ۱۰ سال بعد و در آبان ۱۳۹۸، افزایش قیمت بنزین را بهانه کردند تا مجدداً همه نیروهای خود را یک‌جا به جان انقلاب بیندازند، این بار حتی نیروهای تروریستی‌شان از گروهک‌هایی مانند منافقین هم در میدان بودند و با خشونت افسارگسیخته زدند و کشتند و به آتش کشیدند و...

همان روشی که ۳ سال بعد و در پاییز ۱۴۰۱ به نحو خشونت‌بارتری تکرار شد و بالاخره در دی ماه ۱۴۰۴ باحضور سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل و ارسال مستقیم اسلحه برای اغتشاشگران، به کودتایی خونین انجامید. ولی در تمامی موارد، درایت و هوشمندی رهبر شهید انقلاب و هوشیاری و مقاومت مردم به حول و قوه الهی، همه فتنه‌های یاد شده را با شکست مواجه ساخت تا اینکه جبهه استکبار دیگر همه نقاب‌های خود را از چهره برداشت و دستکش‌های مخملین خویش را درآورده و با همان هیبت شیطانی‌اش به اسلام و انقلاب و ایران یورش برد که بازهم به خواست و اراده خداوند تبارک و تعالی، با نثار خون و فدای جان هزاران نفر و پیشاپیش همه امام شهید انقلاب و خانواده‌شان و سپس مبعوث شدن مردم، با شکستی خفت‌بار مواجه گردید.

پزشکیان:

نباید هیچ خللی در دسترسی مردم به داروهای اساسی ایجاد شود

رئیس‌جمهور در نشستی ویژه ضمن بررسی روند تأمین دارو، مواد اولیه و منابع مالی مورد نیاز، بر تقویت هماهنگی دستگاه‌ها برای تضمین پایداری زنجیره تأمین دارو و تجهیزات پزشکی تأکید کرد.

نشست بررسی آخرین وضعیت ذخایر راهبردی دارویی کشور، روند تأمین اقلام و مواد اولیه مورد نیاز تولید، رفع موانع واردات، تأمین منابع مالی و هماهنگی‌های بین‌بخشی به ریاست مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور روز دوشنبه (۲۲ تیرماه) و با حضور وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزیر راه و شهرسازی، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و سایر مسئولان دستگاه‌های ذی‌ربط برگزار شد.

در این نشست، گزارش‌های تخصصی کارگروه‌های مختلف در حوزه تأمین، تولید، واردات، توزیع، ذخایر راهبردی دارویی و تأمین منابع ارزی و ریالی مورد نیاز ارائه و آخرین وضعیت آمادگی کشور برای پاسخگویی به نیازهای حوزه سلامت مورد بررسی قرار گرفت.

رئیس‌جمهور پس از استماع گزارش‌های ارائه شده و بررسی دقیق مسائل و چالش‌های موجود، دستورات لازم را به دستگاه‌های مسئول برای تسریع در رفع موانع، تقویت هماهنگی‌های بین‌بخشی و تضمین پایداری زنجیره تأمین دارو و تجهیزات پزشکی صادر کرد.

پزشکیان با تأکید بر اینکه حفظ سلامت مردم از اولویت‌های راهبردی دولت است، تصریح کرد: در شرایط حساس کنونی، همه ظرفیت‌های اجرائی، مالی و مدیریتی کشور باید در خدمت رفع موانع تأمین دارو و تجهیزات پزشکی قرار گیرد و هیچ خللی در دسترسی مردم به داروهای اساسی و حیاتی ایجاد نشود.

وی مدیریت بهینه منابع مالی را یکی از مهم‌ترین الزامات شرایط فعلی دانست و با تأکید بر ضرورت کنترل هزینه‌ها، اظهار داشت: در وضعیت ویژه کنونی، مدیریت مصرف، جلوگیری از هزینه‌های غیرضروری و ارتقای بهره‌وری منابع باید در تمامی بخش‌های حوزه سلامت مورد توجه جدی قرار گیرد.

پزشکیان همچنین بر ضرورت اصلاح الگوی مصرف، حذف هزینه‌های قابل اجتناب از جمله برخی بسته‌بندی‌های غیرضروری و مدیریت دقیق منابع در حوزه دارو و تجهیزات پزشکی تأکید کرد.

رئیس‌جمهور با بیان اینکه تأمین داروهای اساسی، حیاتی و ضروری مردم با استفاده از تمامی ظرفیت‌های کشور در اولویت قطعی دولت قرار دارد، خاطرنشان کرد: در شرایط فعلی، تخصیص منابع باید بر اساس اولویت‌های نظام سلامت انجام شود و تأمین اقلام غیرضروری و داروهای خارج از فهرست اولویت‌ها در مراتب بعدی قرار خواهد گرفت.

وی همچنین بر ضرورت استقرار نظام منطقی تجویز و مصرف دارو تأکید کرد و گفت: پزشکان و مراکز درمانی باید در چارچوب سیاست‌های ملی دارویی و راهنماهای بالینی عمل کنند و با هرگونه تجویز خارج از ضوابط، که منجر به افزایش هزینه‌های غیرضروری و تحمیل بار مالی به نظام سلامت شود، مطابق مقررات برخورد خواهد شد.

حل مسائل کشور بر پایه دانش و مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای

همچنین، رئیس‌جمهور روز دوشنبه (۲۲ تیرماه) در ادامه سلسله نشست‌های تخصصی خود با استادان رشته‌های مختلف دانشگاهی، در دومین نشست با جمعی از استادان مدیریت بر راهبرد دولت چهاردهم در مأموریت‌محور کردن دانشگاه‌ها و واگذاری حل مسائل کشور به ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی تأکید کرد و این رویکرد را یکی از محورهای اصلی اصلاح نظام حکمرانی و ارتقای کارآمدی مدیریت کشور دانست.

پزشکیان با اشاره به جمع‌بندی مباحث و پیشنهادهای مطرح‌شده در نشست‌های پیشین با استادان دانشگاه، اظهار داشت: در برخی حوزه‌ها میان دیدگاه‌های ارائه‌شده و رویکرد دولت تفاوت‌هایی وجود داشت، اما آنچه برای دولت اهمیت اساسی دارد، بهره‌گیری از ظرفیت دانشگاه‌ها برای حل مسائل کشور بر پایه دانش، روش‌های علمی و مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای است.

وی با تبیین الگوی موردنظر دولت برای پیوند دانشگاه و عرصه اجرا، تصریح کرد: دانشگاه باید مستقیماً مسئولیت حل مسائل واقعی کشور را برعهده بگیرد. استادان و گروه‌های علمی مدیریت می‌توانند در حوزه‌های مختلف از جمله ارتقای بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی، اصلاح ساختار منابع انسانی، طراحی و استقرار نظام‌های مدیریتی، تدوین مقررات، اصلاح فرآیندها، ساماندهی نظام مالی و برنامه‌ریزی راهبردی دستگاه‌ها و سازمان‌ها نقش‌آفرینی کنند و نتیجه اقدامات آنان نیز بر اساس شاخص‌های عملکردی و میزان ارزش‌آفرینی ارزیابی شود.

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه دانشگاه باید از محیط صرفاً آموزشی فاصله گرفته و به میدان حل مسئله وارد شود، افزود: در این الگو، دانشجو نیز همزمان با آموزش، در میدان عمل تربیت می‌شود و با کسب تجربه واقعی، به مدیری توانمند، مسئله‌شناس و تصمیم‌ساز برای آینده کشور تبدیل خواهد شد.

پزشکیان یکی دیگر از ارکان این رویکرد را استقرار نظام شایسته‌سالاری عنوان کرد و گفت: مسئولیت‌ها باید بر مبنای توانمندی، شایستگی و کارآمدی افراد واگذار شود، نه بر اساس ملاحظات جناحی، سیاسی یا روابط غیرحرفه‌ای. این اصل، علاوه‌بر آنکه از مبانی پذیرفته‌شده مدیریت نوین است، ریشه در آموزه‌های حکمرانی امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) نیز دارد.

هشدار رئیس قوه قضائیه:

اگر کسی در حاکمیت، کار مردم را لنگ گذاشت قابل بخشش نیست

رئیس قوه قضائیه گفت: ما در مسیر خطیر مبارزه همه‌جانبه و حرفه‌ای با فساد، دست خود را به سوی همه بخش‌های ذی‌صلاح دراز می‌کنیم.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه، با اشاره به حکم اخیر رهبری معظم انقلاب برای دوره جدید ریاست دستگاه قضا، بیان داشت: از حُسن اعتماد رهبری معظم انقلاب کمال تشکر و قدردانی را داریم. معظم‌له اعتماد فرمودند و بار دیگر مسئولیت ریاست دستگاه قضا را به فردی در درون خانواده بزرگ قوه قضائیه سپردند و اینجانب را ابقاء فرمودند. حقیقتاً بار بسیار سنگینی بر دوش همه ما مسئولان و دست‌اندرکاران قوه قضائیه وجود دارد و باید با مجاهدت بیشتر، پاسخ اعتماد رهبری معظم انقلاب را بدهیم و به فرامین واجب‌الاتباع ایشان در اسرع‌وقت، جامه عمل بپوشیم و در مسیر خدمت بی‌منت به مردم، شب و روز نشناسیم.

محسنی‌اژه‌ای با اشاره به مقوله بسیار مهم مبارزه با فساد گفت: در دوره جدید ضرورت دارد با همکاری و هم‌افزایی همه بخش‌های ذی‌صلاح در درون و بیرون قوه قضائیه، فصل نوینی را در امر مبارزه همه‌جانبه با فساد بگشاییم. فساد، پدیده‌ای مُسری است و اگر ریشه آن را نخشکانیم، شیوع و سرایت پیدا می‌کند. ما در مسیر خطیر مبارزه همه‌جانبه و حرفه‌ای با فساد، دست خود را به سوی همه بخش‌های ذی‌صلاح دراز می‌کنیم و معتقدیم مقابله با پدیده شوم فساد، تکلیفی است که بار آن بر دوش تمام ارکان حاکمیت سنگینی می‌کند. ما برای صیانت از حریم قانون و پاسداری از اعتماد عمومی، دست یاری به سوی تمامی نهادهای نظارتی و دستگاه‌های اجرائی ذی‌صلاح می‌گشاییم تا با انسجامِ رویه‌ها، سدی نفوذناپذیر در برابر مفاسد ساختاری بنا نهیم.

وی عنوان کرد: یکی از اولویت‌های اصلی ما در دوره اخیر همانند دوره پیشین، مبارزه مجدانه، تخصصی و همه‌جانبه با فساد و مسدود کردن گلوگاه‌های فسادزا است. البته این امر به معنای بی‌اعتنایی به فرد مُفسد نیست؛ قطعاً و بدون‌تردید مفسدین با نهایت قاطعیت، وفق قانون، محاکمه و مجازات می‌شوند؛ لکن آنچه اولویت دارد، پیشگیری از وقوع فساد با سد کردن سرچشمه‌های فساد است.

رئیس قوه قضائیه، مبحث مقابله با فساد درون‌قوه‌ای را بسیار پراهمیت دانست و خاطرنشان کرد: ما در قوه قضائیه مسئول مستقیم مبارزه با فساد و محاکمه و مجازات مفسد هستیم؛ بنابراین اگر در مجموعه خودمان لغزش داشته باشیم کارمان بسیار سخت می‌شود. نمی‌شود خودمان گرفتار لغزش باشیم و بخواهیم دیگران را هدایت و یا مجازات کنیم.

محسنی اژه‌ای افزود: با عنایت به شرایط حساس موجود در کشور، چنانچه کسانی در دستگاه‌های حکومتی و حتی خود قوه قضائیه به فساد گرایش پیدا کنند و یا در پیشبرد امورات مردم تأخیر و تعلل را جایز بدانند، مطمئن باشند که مورد بخشش قرار نمی‌گیرند و در نهایت قاطعیت و منطبق با قانون، با آنها برخورد خواهد شد.

وی بر ضرورت و اهمیت حُسن‌خلق با مردم تاکید مؤکد کرد و بیان داشت: حُسن خلق با مردم و مراجعان به دستگاه قضا از اوجب واجبات است. ما در قوه قضائیه مشکلات و گرفتاری‌های بسیاری داریم؛ از حجم بالای پرونده‌ها تا کمبود امکانات و سایر محذوریت‌ها و مضایق؛ لکن هیچ‌کدام از اینها دلیل نمی‌شود که با مردم رفتار کریمانه و محبت‌آمیز نداشته باشیم. بارها تاکید کرده‌ام که رفتار ما با مردم از حکم و رأی ما مهم‌تر است.

کوشکی در گفت‌وگو با کیهان مطرح کرد

تنگه هرمز و صنعت هسته‌ای دو مقوله جداگانه‌اند نه جایگزین یکدیگر

سرویس سیاسی-

کارشناس مسائل سیاسی گفت: به هیچ وجه، کنترل تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی به این معنا نیست که بتوان به بهای آن، فناوری هسته‌ای را کنار گذاشت. چرا باید این دو مقوله (تسلط بر تنگه هرمز و توانمندی هسته‌ای) که هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند و هر یک بخشی از نیازهای جامعه را تأمین می‌کنند، جایگزین یکدیگر تلقی شوند؟!

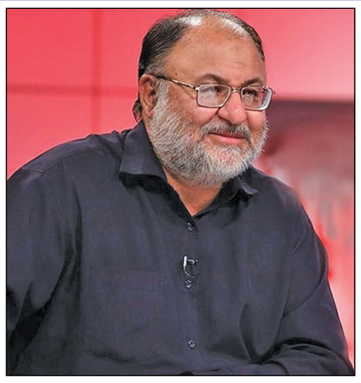

محمدصادق کوشکی، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با کیهان ضمن اشاره به چشم انداز کوتاه‌مدت بسته ماندن تنگه هرمز، اظهار داشت: بسته ماندن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی یک چشم‌انداز کوتاه‌مدت دارد که افزایش قیمت فرآورده‌های سوختی در جهان و نیز افزایش قیمت کالاهای صادراتی از خلیج‌فارس اعم از نفت و محصولات پتروشیمی به همراه محدودیت یا توقف صادرات آنهاست و به مرور زمان به آمریکا و متحدانش فشار اقتصادی وارد خواهد کرد.

چشم‌انداز ۲۰۳۰ و تلاش آمریکا برای تسلط کامل بر خلیج‌فارس

کوشکی در ادامه با تأکید بر ابعاد راهبردی و بلندمدت موضوع، خاطرنشان کرد: اما تسلط جمهوری اسلامی بر تنگه هرمز، دارای چشم‌اندازی راهبردی و بلندمدت نیز دارد که باید به طور جدی‌تری مدنظر قرار گیرد. آمریکایی‌ها برای سال ۲۰۳۰ میلادی به بعد، زمانی که مصرف فرآورده‌های هیدروکربوری چین نسبت به امروز دست‌کم سه برابر شده، نیاز هند به نفت دو برابر خواهد شد. اتحادیه اروپا نیز با انتقال سبد مصرف هیدروکربنی خود از روسیه به منطقه خلیج‌فارس، نیاز بیشتری به فرآورده‌های این منطقه پیدا خواهد کرد. در این شرایط آمریکا در نظر دارد تا با تسلط کامل بر خلیج‌فارس و تنگه هرمز، سه رقیب جدی خود یعنی اتحادیه اروپا، هند و چین را کنترل و مهار کنند.

وی افزود: به همین دلیل، آمریکایی‌ها از هم اکنون درصدد تحکیم و تثبیت تسلط خود بر تنگه هرمز و خلیج‌فارس هستند تا در چشم انداز ۲۰۳۰ به بعد، از طریق سلطه بر این پهنه، به رقبای جدی خود فشار آورده و با بهره‌گیری از نیاز رقبا به منابع هیدروکربوری خلیج‌فارس، از جایگاه ابرقدرتی خود در برابر رقبایی که درصدد تصاحب این جایگاه هستند، حفاظت و حراست کنند.

این کارشناس با اشاره به اینکه «چشم انداز کوتاه مدت تسلط جمهوری اسلامی بر تنگه هرمز بسیار مورد بحث قرار گرفته است؛ اما درباره چشم انداز بلندمدت بحث چندانی صورت نگرفت»، توضیح داد: این چشم انداز بلندمدت برای آمریکایی‌ها بسیار کمرشکن خواهد بود و در صورتی که جمهوری اسلامی بتواند حق خود در کنترل و نظارت بر تردد در تنگه هرمز را تثبیت کند (حتی بدون اخذ عوارض یا هزینه مالی) می‌تواند با اشراف، نظارت و اعمال حاکمیت خود، تمامی طرح‌های آمریکا برای بهره‌برداری از این تنگه در سال‌های ۲۰۳۰ به بعد را زیر سؤال ببرد و این امر ضربه مهمی به جایگاه ایالات متحده در آینده نظام جهانی وارد خواهد آورد.

عوارض یا کنترل؟

کوشکی در پاسخ به این پرسش که آیا اخذ عوارض از کشتی‌های عبوری نیز مورد توجه است، بیان داشت: این چشم انداز بلندمدت راهبردی، بسیار مهم‌تر از مسئله اخذ عوارض یا درآمد است. هرچند که به هیچ وجه با اخذ عوارض یا هزینه از کشتی‌های عبوری مخالف نیستم چرا که این امر نیز جزو حقوق ملت ایران محسوب می‌شود و می‌توان روی آن حساب کرد اما اهمیت آن نسبت به آن نکته راهبردی، در درجه دوم قرار دارد. متأسفانه به این نکته درجه دو توجه بیشتری شده است، در حالی که نکته اصلی این است که از طریق کنترل تنگه توسط جمهوری اسلامی، آمریکا در رقابت آینده خود با قدرت‌های سه‌گانه جهانی چین، هند و اتحادیه اروپا به شدت تضعیف خواهد شد. چون تنگه هرمزی که آمریکا می‌خواست از آن به مثابه اهرم فشار جدی علیه رقبای خود استفاده کند، از دست ایالات متحده خارج می‌شود.

خطوط لوله جایگزین تنگه هرمز نمی‌شوند

کوشکی درخصوص تحلیل‌هایی مبنی بر کاهش اهمیت تنگه هرمز به واسطه ایجاد خطوط لوله جایگزین تنگه هرمز اظهار داشت: ایجاد خطوط لوله برای انتقال فرآورده‌های نفتی یا نفت خام از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس به آبراه‌های مجاور، نمی‌تواند از اهمیت تنگه هرمز بکاهد زیرا خطوط لوله به عنوان مکمل حمل‌ونقل دریایی نفت و فرآورده‌های هیدروکربوری مطرح هستند، نه جایگزین آن.

وی با ارائه توضیحات تفصیلی در این زمینه افزود: اگر یکی از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس مثلا عربستان قصد داشته باشد محصولات نفتی خود را از طریق خطوط لوله به خارج از محدوده تنگه هرمز منتقل کند، باید این محصولات را از طریق خاک عمان به دریای عرب منتقل کند که نیازمند سرمایه‌گذاری سنگین چند ده میلیارد دلاری و جلب همکاری عمان است و دسترسی اصلی عربستان به دریای سرخ است در حالی که بیشترین خریداران نفت عربستان، کشورهای شرق آسیا شامل چین،کره، ژاپن و هند هستند. خط لوله عربستان تنها به دریای سرخ خروجی دارد، در حالی که مشتریان عمده آن در شرق قرار دارند. قطر نیز مشتریان قابل توجهی برای گاز یا فرآورده‌های جانبی گاز مانند هیدروژن و گوگرد را در بازارهای شرقی دارد اما از طریق خطوط لوله، امکان انتقال این فرآورده‌های گازی خلیج‌فارس به مشتریانی که در شرق قرار دارند، وجود ندارد.

این کارشناس با اشاره به رقابت‌های منطقه‌ای تصریح کرد: خطوط لوله صرفاً می‌توانند دسترسی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس به مشتریان اروپایی و آمریکای شمالی را فراهم آورد، اما رقابت بین کشورهای خلیج‌فارس اجازه نمی‌دهد که خطوط لوله به این منظور ایجاد شوند. سعودی‌ها فرآورده‌های خود را از طریق خط لوله به دریای سرخ می‌رسانند، اما امکان عبور فرآورده‌های قطر یا امارات از خاک آنها از طریق لوله و رسیدن به دریای سرخ وجود ندارد، زیرا عربستان، قطر و امارات را رقیب خود می‌داند. بنابراین، این گزاره که خطوط لوله می‌توانند جایگزین تنگه هرمز شده و اهمیت آن را از بین ببرند، فاقد اعتبار است.

غنی‌سازی هسته‌ای نیازی برای صدها کاربرد صلح‌آمیز، نه اهرم فشار

کوشکی در پاسخ به این دیدگاه که برخی معتقدند با کنترل جمهوری اسلامی بر تنگه هرمز، نیازی به توانمندی هسته‌ای وجود ندارد با قاطعیت گفت: کسانی که می‌گویند به دلیل در اختیار داشتن تنگه هرمز، نیازی به توانمندی هسته‌ای نیست، این دو موضوع را به غلط به هم مرتبط می‌دانند. این نظر مانند آن است که فردی بگوید چون مدرک دانشگاهی دارم، به گواهینامه رانندگی نیاز ندارم یا چون خودرو دارم، پس به خانه احتیاجی ندارم! در حالی که این دو فرصت و امکان، کاملاً مجزا از یکدیگرند.

وی افزود:کشور ما برای تأمین صدها نیاز متنوع خود، به توانمندی غنی‌سازی وابسته است. برای رفع نیازهای کاملاً صلح‌آمیز، از جمله تولید حداقل ۲۰ هزار مگاوات کسری برق، ناگزیر از استفاده از برق هسته‌ای هستیم؛ زیرا در صورت تولید این میزان برق از طریق نفت و گاز، عملاً نفت و گازی برای صادرات باقی نخواهد ماند که این امر برای کشور بسیار خسارت بار بوده و علاوه‌بر هزینه بالای تولید برق، پیامدهای زیست محیطی جدی نیز به همراه دارد.

کوشکی خاطرنشان کرد: برای کشوری مانند ایران که دارای معدن اورانیوم و فناوری تبدیل اورانیوم معدنی به میله سوخت است، هزینه تولید برق هسته‌ای یک سی‌ام برق حرارتی و تقریبا رایگان تمام می‌شود. افزون بر برق، نیازهای جدی در حوزه‌های پزشکی، صنعت و کشاورزی داریم که رفع آنها از طریق غنی‌سازی و توان هسته‌ای امکان‌پذیر است به همین جهت ناگزیر از غنی‌سازی و توسعه فن‌آوری هسته‌ای هستیم، مگر این که مخالفان فن‌آوری هسته‌ای، خواهان بازگشت ایران به دوران پیش از انقلاب اسلامی باشند که عملاً شدنی نیست.

غنی‌سازی ۶۰ درصد را برای رفع نیازهای صلح‌آمیز لازم داریم

وی در پاسخ به این پرسش که آیا غنی‌سازی ۶۰ درصد نیز برای کشور ضروری است، گفت: حتی غنی‌سازی ۶۰ درصد را نیز برای رفع نیازهای صلح‌آمیز لازم داریم. کارشناسان می‌توانند به طور دقیق توضیح دهند که برای بخشی از فناوری ماهواره‌ای یا زیردریایی‌هایی که قادر به انجام مأموریت‌های طولانی مدت در زیر آب هستند، و انواع متنوعی از نیازهای نوین، به غنی‌سازی ۶۰ درصد نیز احتیاج داریم.

کوشکی در پایان با تأکید بر استقلال این دو حوزه، خاطرنشان کرد: به هیچ وجه، کنترل تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی به این معنا نیست که بتوان به بهای آن، فناوری هسته‌ای را کنار گذاشت! مثلا برای تولید برق بدون غنی‌سازی ناگزیر از خرید میله سوخت از خارج هستیم که عملاً مقرون به صرفه نخواهد بود. اگر بخواهیم برای تأمین برق، میله سوخت خریداری کنیم، بهتر است که به سراغ برق حرارتی برویم تا این که نفت و گاز بفروشیم و میله سوخت گران بخریم! آن هم در حالی که فناوری کامل از معدن اورانیوم تا تولید میله سوخت را در اختیار داریم و هم اکنون میله‌های سوخت مورد نیاز نیروگاه بوشهر را خودمان تأمین می‌کنیم؛ چرا باید این دو مقوله (تسلط بر تنگه هرمز و توانمندی هسته‌ای) که هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند و هر یک بخشی از نیازهای جامعه را تأمین می‌کنند، جایگزین یکدیگر تلقی شوند؟!

مدیر انرژی و سیالات فولاد مبارکه:

مصرف آب در فولاد مبارکه اصفهان به حدود ۲/۲ مترمکعب کاهش یافته است

اصفهان- خبرنگار کیهان:

مدیر انرژی و سیالات فولاد مبارکه اصفهان گفت: مصرف آب فولاد مبارکه در سال ۱۳۹۲ که بیشترین میزان برداشت آب از حوضه زاینده‌رود صورت می‌گرفته به‌ازای هر تن تولید تختال حدود ۵ مترمکعب بوده و امروز این میزان با سرمایه‌گذاری در اجرای پروژه‌های متعدد به حدود ۲/۲ مترمکعب کاهش یافته است.

سید امیر طباطبائیان، خاطرنشان کرد: فولاد مبارکه در دهه ۹۰ که حوضه زاینده‌رود با بحران‌های شدیدی مواجه بود، تلاش‌های زیادی کرد تا بتواند این بحران را با انجام پروژه‌های کاهش مصرف آب یا پروژه‌های تأمین پایدار آب از منابع غیرسطحی مانند آب‌های نامتعارف، از جمله پساب‌های شهری جبران کند. این مهم از سال ۱۳۹۷ وارد فاز اجرا شد و ما توانستیم بخشی از آب موردنیاز خطوط تولید خود را از محل تصفیه پساب‌های شهری تأمین کنیم.

وی با بیان اینکه پروژه انتقال آب دریا نیز از سال ۱۴۰۱ و با نگاه ملی از سوی فولا